

تبیین علّیتی عمل و رفتار انسان

امیر دیوانی

چکیده

مقصود از این نوشتار ارائه «تبیین علّیتی» در شناخت جامع (محض - تجربی) فاعلیت انسان در عمل و رفتار است. تبیین علّیتی درباره رفتار و عمل انسان، از آن جهت که او موجودی کم‌نظیر یا بی‌نظیر در جهان طبیعت است، در تبیین‌های علّیتی ناظر به رفتار قانون‌مند موجودات دیگر طبیعت خلاصه نمی‌شود. در اینجا می‌کوشیم تا نشان دهیم هر رفتار و کردار انسان در تحلیل به چند قلمرو وجودی طولی و عرضی تعلق دارد که هر یک زیر پوشش نوعی از رابطه علی و معلولی‌اند. در ترکیب ارکان علی و معلولی این قلمروها رفتار آدمی به صورت مرتبط، متصل و در نهایت متحد سامان می‌یابد. ملاک تمایز علوم طبیعی از علوم انسانی و دشواری تبیین علّیتی در علوم انسانی، چه فردی و چه اجتماعی، در ترکیب رفتاری انسان از روابط علّیتی متعدد و متدرج وجودی و در عین حال متصل و متحد است. راه‌حل این دشواری نه تأویل یک قلمرو به قلمروی دیگر است و نه صرف‌نظر کردن از یک قلمرو و عطف توجه به قلمروی دیگر؛ بلکه با اذعان به دشواری تبیین علّیتی رفتار آدمی باید به جستجوی تبیین علّیتی همه‌جانبه طولی و عرضی بر پایه طبیعت مشترک میان انسان‌ها بود.

واژگان کلیدی: تبیین علّیتی، علت فاعلی، رفتار انسان، طبیعت، ذهن، عقل.

چیستی فلسفه روان‌شناسی

مسعود آذربایجانی

چکیده

موضوع اصلی این جستار، چیستی فلسفه روان‌شناسی و هدف آن، تبیین ماهیت فلسفه روان‌شناسی است. روش ما در این مقال، تحلیل عقلی و تحلیل محتوای کیفی است که از دو مسیر بررسی تحلیلی مفهوم فلسفه و پیگیری مصادیق فلسفه مضاف دنبال می‌شود. داده‌های تحقیق بدین قرار است: بنا بر مسیر اول، فلسفه روان‌شناسی عبارت است از: بررسی معناشناسانه، هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و رویکرد اخلاقی به دانش روان‌شناسی. بر اساس مسیر دوم، فلسفه روان‌شناسی عبارت است از: معرفتی درجه دوم که برای شناخت درست روان‌شناسی به بررسی عقلی مبادی تصویری و تصدیقی دانش روان‌شناسی می‌پردازد. نتایج تحقیق این است که فلسفه روان‌شناسی متمایز با فلسفه ذهن و علم‌النفس فلسفی است؛ اگرچه هم‌پوشی‌هایی نیز با هم دارند.

واژگان کلیدی: فلسفه روان‌شناسی، ماهیت فلسفه روان‌شناسی، روان‌شناسی اسلامی.

علیه رویکرد جزیره‌ای به علوم

علیرضا منصورى

چکیده

نگرشی به علم وجود دارد که بر اساس آن، علوم انسانی و علوم طبیعی دو ساحت کاملاً متفاوت هستند و قواعدی جداگانه دارند و به همین دلیل نباید در حیطه‌های یکدیگر دخالت کنند. این اندیشه که کم‌وبیش درباره‌ی دیگر حوزه‌ها و تقسیم‌بندی‌های معرفتی، مثل علم و الهیات نیز طرفدارانی دارد و تا اندازه‌ی فراوانی به آموزه‌های ویتگنشتاین متکی است، در نهایت به جزیره‌ای شدن علوم می‌انجامد. در این مقاله استدلال می‌کنیم که چرا این اندیشه درست نیست و پیامدهایی منفی برای رشد علوم دارد.

واژگان کلیدی: عقلانیت نقاد، ویتگنشتاین، موجه‌سازی، نقد، تخصص‌گرایی، پیشرفت علم

استادیار و عضو هیئت علمی گروه فلسفه علم و تکنولوژی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
a_mansourius@yahoo.com

ساحات معرفت‌شناختی زبان و سبک‌های زندگی در سنت غربی و اسلامی

مهدی خبازی کناری^۱، فرزاد بالو^۲

چکیده

این مقاله بر این قیاس استوار است: «مقدمه اول: شناخت با سبک‌های زندگی متناظر است. مقدمه دوم: زبان با شناخت متناظر است. نتیجه: زبان با سبک‌های زندگی متناظر است». مقدمه اول ناظر به این فرض است که سبک‌ها و صورت‌های زندگی بر معرفت‌شناسی مختص به خود مبتنی هستند. مقدمه دوم مسئله دیرینه‌ای را مطرح می‌کند که فیلسوفان، زبان‌شناسان و منطق‌دانان، از سوفسطاییان تا پساساختارگرایان به تأمل در این باره پرداخته‌اند که: نسبت زبان و شناخت چیست؟ آیا آنها در ساحت تحقق، امری واحدند یا منفک از هم‌اند؟ اگر منفک هستند، کدامیک بر دیگری مقدم است؟ نتیجه قیاس هم به این مطلب اشاره دارد که اولاً، ساختارهای زبانی گوناگونی وجود دارد. ثانیاً، این ساختارهای متنوع زبانی، سبک‌های متکثر زندگی را نیز رقم خواهد زد. این امر، هم به لحاظ نظری و مفهومی و هم به لحاظ تاریخی و اجتماعی در سنت غربی و اسلامی تحقق یافته است. نگارندگان این مقاله برای تبیین و اثبات مقدمات و نتیجه قیاس یادشده، از ساختارهای مفهومی و عینی هر دو سنت بهره برده‌اند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، زبان، اندیشه، سنت غربی و اسلامی

mkenari@yahoo.com

استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران

استادیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

farzad-baloo@yahoo.com

نظریه اعتباریات به مثابه فرانظریه اجتماعی نزد علامه

طباطبایی و محقق عراقی

سیدحمیدرضا حسنی^۱ هادی موسوی^۲

چکیده

در این نوشتار سعی داریم نظریه اعتبار و مفاهیم اعتباری را در نگاه اندیشمندی چون محقق عراقی و علامه طباطبایی به هدف به دست آوردن یک فرانظریه اجتماعی به نمایش بگذاریم. این نظریه توانایی تبیین هستی‌شناختی پدیده‌های رفتاری انسانی، اعم از پدیده‌های فردی و اجتماعی را داراست. با این وصف، تمرکز بیشتر این مقاله بر حیث اجتماعی این نظریه است. این مهم آنگاه میسر می‌شود که ما شناختی از دسته‌بندی‌های موجود نزد فیلسوفان و متفکران به دست آوریم تا بدان واسطه مشخص کنیم پدیده‌های اجتماعی ذیل کدام تقسیم‌بندی می‌گنجند. به نظر محقق عراقی هنگام اعتبار فروشنده و خریدار، مصداقی به حمل شایع از هویت اعتباری - برای مثال ملکیت - پدید می‌آید که موجب می‌شود بتوانیم مفهوم ملکیت را از آن هویت اعتباری پدیدآمده، اخذ کنیم. این هویت اعتباری نوپدید، همان واقعیت اجتماعی خرید و فروش است که ناشی از کنش اجتماعی است. علامه طباطبایی با کاوشی فلسفی در بنیادهای اعتبار، نسبت آن را با عقل عملی و اراده انسانی برقرار می‌کند و از این طریق اصول روش‌شناختی اعتبار و نحوه تحقیق را درباره اعتباریات هویدا می‌سازد. چنین کاوش‌هایی از طرف علامه، نظریه کلان اجتماعی را در خصوص واقعیت‌های اجتماعی به نمایش می‌گذارد و پرتو نوری بر نظریات محققان اصولی مانند محقق عراقی می‌افکند.

واژگان کلیدی: نظریه اعتباریات، فرانظریه اجتماعی، علامه طباطبایی، محقق عراقی، عقل عملی، کنش اجتماعی.

hrhasani@rihu.ac.ir

hmousavi@rihu.ac.ir

■ استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

■ استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ابعاد معرفت النفس و نقش آن در استکمال نفس انسانی

محمد فنایی اشکوری^۱

چکیده

معرفت نفس یا خودشناسی در همه فرهنگ‌های بشری اهمیت دارد و در دین، حکمت، اخلاق و عرفان بر خودشناسی تأکید می‌شود. پیام معروف سقراط این بود که «خود را بشناس» و خودشناسی در حکمت سقراط مبنای اخلاق و فضیلت است. اساساً غایت حکمت، استکمال نفس انسانی است. دین نیز برای استکمال نفس و نجات و فلاح آن است و نیل به این غایت بدون معرفت و تربیت نفس میسر نیست. از این رو، قرآن کریم و روایات اسلامی بر اهمیت معرفت نفس به عنوان برترین معرفت و کلید حکمت و فضیلت تأکید دارند و رسالت انبیای الهی را تعلیم و تزکیه انسان معرفی می‌کنند. این آموزه موجب شده حکما و عرفای اسلامی موضوع معرفت نفس را به طور جدی پیگیری کنند. حکمت الهی در این دیدگاه، سفری است برای به کمال رسیدن نفس از راه علم و عمل. به همین دلیل، ملاصدرا حکمتش را در چهار مرحله از سفر نفس (اسفار اربعه) تنظیم کرده است. حکمت نظری، بنیادهای معرفتی و مبدأ و منتهای چنین سفری را ارائه می‌دهد و حکمت عملی راه و شیوه نیل به این غایت را تبیین می‌کند. مفهوم «اسفار اربعه» برگرفته از عرفان است که بر محور سفر نفس است و سالک، همان نفس مسافر است. عرفان عملی شیوه طی این سفر را بیان می‌کند و عرفان نظری دستاوردهای این سفر و جغرافیای عالمی را که این سفر در آن واقع می‌شود، تبیین می‌کند. آنچه این نوشتار پیگیری می‌کند، تبیین ابعاد معرفت نفس و نقش این معرفت در استکمال نفس انسانی است. بر این اساس، نخست تبیین می‌شود که معرفت نفس ابعاد گوناگونی دارد و با روش‌های گوناگون تجربی، عقلی، نقلی و شهودی به دست می‌آید. با به کارگیری این روش‌ها شاخه‌های مختلف علمی در معرفت نفس شکل می‌گیرد؛ مانند روان‌شناسی، علم النفس فلسفی، معرفت النفس عرفانی و نفس‌شناسی دینی و سپس تأثیر انواع خودشناسی بر خودسازی و سلوک بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: معرفت نفس، انسان‌شناسی، خداشناسی، خودسازی.

درآمدی بر طبقه‌بندی آثار صدرالمتألهین

شریف لک‌زایی^۱

چکیده

طبقه‌بندی‌های گوناگونی از حیات علمی صدرالدین شیرازی ارائه گردیده است که مشهورترین آنها، طبقه‌بندی علامه سید محمدحسین طباطبایی است. این طبقه‌بندی بر آن است که حیات ملاصدرا به سه دوره فراگیری و تحصیل، ریاضت و تهذیب، و نگارش و تدریس تقسیم می‌شود. تقریباً همه کسانی که بعد از طباطبایی به بحث پرداخته‌اند، از این دسته‌بندی برای تبیین زندگی ملاصدرا بهره گرفته‌اند. مدعای نگارنده این است که در سیر حیات علمی و نگارش آثار ملاصدرا می‌توان از سه ملاصدرا سخن گفت: ملاصدرای جوان، ملاصدرای میانسال و ملاصدرای کهنسال. براین اساس، صدرای جوان در پی آموختن است، صدرای میانسال با قائل شدن به اصالت وجود در پی تدوین فلسفه‌ای نوین است و صدرای کهنسال نیز با توجه به مباحث قرآنی، روایی و عرفانی در پی وحدت و جامع‌نگری است. این مقاله به‌عنوان مقدمه به ذکر طبقه‌بندی آثار صدرالمتألهین می‌پردازد تا مبنایی برای بررسی جایگاه سیاست در آثار ملاصدرا به وجود آید.

واژگان کلیدی: حیات علمی، تالیفات، صدرالدین شیرازی، طبقه‌بندی، علامه طباطبایی.